



سهم غالب در گسترش واژه های فارسی در

شبه قاره هند

خدایا زبانی که بخشیده ای

به نیروی جانی که بخشیده ای

دمادم به جنبش گراید همی

ز راز تو حرفی سراید همی

ندانم که بیوند حرف از کجاست

درین پرده لحنی شگرف از کجاست

چو پیدا نباشی نهان هم تویی

اگر پرده ای باشد آنهم تویی

«از مناجات غالب»

میرزا اسدالله خان غالب دهلوی (تولد ۱۲۱۲ - وفات

۱۲۸۵ ه.ق) شاعر معروف قرن سیزدهم ه.ق است که

مجموعه نوشته هایش به زبان فارسی به نام «کلیات

نثر غالب» شهرت دارد و آنرا مؤسسه نولکشور هند به سال

۱۲۸۴ طبع و منتشر کرده است. آنچه در این کتاب آمده به

■ دکتر رضا مصطفوی



آشنا

شماره چهاردهم، سال دوم، آذر و دی ۱۳۷۲

۱۴

■ اوضاع نابسامان اجتماعی و جنگ و خونریزیها و فساد دربار در ذوره سلطان حسین صفوی و تاخت و تاز طوایف افغان به اصفهان (۱۱۳۵) و حوادث ناشی از فتنه آنان سبب گردید تا وضع ادبیات نیز مانند سایر پدیده های اجتماعی آن عصر، نابسامان و درهم و برهم شود.

بی آمیزش لفظ عربی» تصنیف گردیده است.
غالب خود درباره این کتاب می گوید:

این نامه را پس از انجامیدن، دستنبوی نام نهاده آمده و دست به دست و سوی به سوی فرستاده آمد تا دانشوران (را) روان پرورد و سخن گستران را دل از دست برد. امید که این دانشی دستنبوی به دست یزدانیان گلدسته رنگ و بوی و در دیده اهرمن نشان، آتشین گوی باد.»^۱

موضوع دستنبو سرگذشت غالب و رویدادهای میانه آغاز سالهای ۱۸۷۵ تا ماه جولای ۱۸۵۸ است. در این بخش ذکر کشتار دهلی و آنچه بر شاعر و برادرش گذشته درخور توجه است. کتاب سرگذشت و تاریخ گویای روزگار نویسنده است و از این جهت که او حوادث را با چشم خود دیده یا وقایع را از بینندگان شنیده، مطالب، شایان دقت و قابل بررسی های تاریخی نیز تواند بود؛ خود می گوید:

«به نگارش سرگذشت پرداختم و موسوم به دستنبو

ساختم»

غالب گوشه ای از ماجرا را چنین توصیف می کند:
«چهارشنبه سی ام سنبر [سپتامبر] روز هفدهم از گناش شهر و بستگی دروازه کوچه آگهی آوردند که یغما بیان برخانه برادر ریختند و گرد از کوچه و کاشانه انگیختند. میرزا یوسف خان دیوانه و آن فرتوت مرد و پیره زن را زنده گذاشته اند و آن زن و مرد سالخورده به هنیایی و دستیاری دوهندو که در این گریزگریز از جای دگر آمده در آنجا دم گرفته اند در سرانجام آب و نان کوشش دریغ نداشته اند. نهفته مباد که در این شهر آشوب گیرودار چنانکه در هر کوچه و بازار اشتم را یک هنجار نیست سپاهیان را نیز در خونریز و انداز و انگیز یک رفتار نیست. اگر آرم و سرزنش است، فراخور خوی و منش است. دانم که در این تاخت فرمان همه آست که هر که گردن نهد از سرخوش درگذرند و اندوخته ببرند و هر که چهره شود»



ترتیب به شرح زیر است:

پنج آهنگ: کتابی در نامه نگاری و شامل پنج بخش است که هر کدام یک آهنگ خوانده می شود، آهنگ نخست در باره القاب و آداب و مراتب وابسته بدانتست. آهنگ دوم به درست نویسی و دستور زبان فارسی اختصاص دارد و مصادر و مصطلحات و لغات فارسی را به همراه دارد. آهنگ سوم به نحوه انتخاب اشعار در بافت نامه و مناسبت آنها بانامه مربوط می گردد. در آهنگ چهارم، آغاز و انجام نامه ها و تقریظها را باز نموده و در واپسین آهنگ، نامه هایی را که به بزرگان و امیران و دوستان نوشته نقل کرده است. دومین بخش کلیات نثر غالب «مهر نیم روز» نام دارد و غالب در این بخش، داستانهای قدیم پیامبران و پادشاهان را باز می گوید.

سومین کتاب کلیات نثر غالب «دستنبو» نامیده شده که بحث ما در این مقال بدان اختصاص دارد و بدان گونه که در پشت جلد کتاب، مذکور افتاده (به زبان پارسی قدیم،



۲۵ ص	سوئیس: بی خبری	۱۲ ص	پرچین کاری: خاتم بندی
۲۶ ص	روکاه: دیباچه	۱۲ ص	دستان: زن حائض
۲۸ ص	فروهمیده: خوب (مقابل نکوهیده)	۱۳ ص	برش دید: قطع نظر
۲۸ ص	جامه گذاشتن: مردن	۴ ص	رنجور به درمان: در علاج عاجز
۳۰ ص	شهر کیا: حاکم شهر	۴ ص	آبی کردن: کار تباه کردن
۳۰ ص	کنارنگ: حاکم	۵ ص	کردارگزاری: تاریخ نگاری
۳۰ ص	گرانمند: قیمتی	۵ ص	دریخانه: دیوان خاص
۳۱ ص	فرازمان: حکم	۶ ص	ناگرفت: ناآگاه
۳۳ ص	دست مرنجاد: (به مفهوم دست درد نکناد)	۷ ص	کورنمکان: نمک حرامان
۳۳ ص	کومه: خانه کاه و علف	۸ ص	رده رده: صف صف
۳۳ ص	کازه: خانه گل	۸ ص	نمانما: نمود
۳۴ ص	ارزانش: خیرات	۲۲ ص	پایخوان: ترجمه
۳۴ ص	کاغذی پیراهن: دادخواه	۲۲ ص	مهرخان: خطاب
۴۰ ص	آرامش داد: انتقام	۲۲ ص	آرامش دادن: انتظام دادن
۴۱ ص	تن زدن: خاموش شدن	۲۲ ص	کماهه: تعویذ
۴۲ ص	تنانی: جسمانی	۲۳ ص	ره انجام: مرکب (وسیله سواری)
۳۵ ص	لابه ولاغ: اختلاط و انبساط	۲۴ ص	مرگ سرخ: قتل عام
۳۶ ص	از لاد: هرگز	۱۴ ص	درست: اشرفی
۳۶ ص	هرنیز: تعین و تقرر	۱۴ ص	فرتاب: کرامت
۳۸ ص	فرگاه: حضرت	۱۴ ص	بارنامه: رونق
۳۷ ص	کوهه: موج	۱۴ ص	چادر گردش: تغییر حال
۳۹ ص	انگاره: خاکه	۱۶ ص	شبگیر: سفر شب
	بر روی هم باید گفت سهم غالب در گسترش واژه های	۱۶ ص	ایوار: سفر روز
	پارسی سره در سرزمین هند نه تنها بیش از دیگر فارسی دانان	۱۶ ص	ناآغاز: روز ازل
	این خطه پاک است، بل ابتکار یادشده همیشه به او تعلق دارد	۱۷ ص	گرا: حجام
	و تاریخ زبان فارسی هند همواره این نوآوری را برای او ثبت	۱۷ ص	پاکار: خاکروب
	خواهد کرد. ■	۱۷ ص	یخنی: ذخیره
		۱۸ ص	سومه: جد
		۲۰ ص	کاچال: اثاث البیت
		۲۱ ص	پساوند: قافیه
		۲۱ ص	پیوند: ردیف
		۳۴ ص	درخواه: درخواست
		۳۵ ص	شادخواست: خواهش
		۴۰ ص	بار: دخل
		۴۱ ص	جامگی خواران: نوکران
		۴۲ ص	شید: روشنی
		۳۶ ص	هودل بند: منجم
		۲۴ ص	دورباش: ممانعت
		۲۵ ص	شوه: سبب

پی نویس:

۱- دستنوی، ناشر صدساله یادگار غالب کمیتی - ص ۱.

۲- چهره شدن: مقابله کردن.

۳- شکرند: شکار کنند.

۴- دستنوی: مأخذ پیشین / ۲۳.

۵- ر. ک پشت جلد کتاب دستنوی ۱۹۶۹ ناشر: صدساله یادگار

غالب کمیتی.

۶- مایه: ماده.

۷- برسبت: قانون.

۸- برنهاد: قانون.

۹- گرایش: توجه.

۱۰- درایش: تأثیر

۱۱- ر. ک مقاله استادپور داوود تحت عنوان دساتیر در مقدمه

برهان قاطع تصحیح شده دکتر معین.